

فرهنگنامه نویسی قرآن

و نیاز جوان امروز

نگاهی به جلد اول فرهنگنامه قرآن کریم

○ سیدعلی محمد رفیعی

○ فرهنگنامه قرآن کریم	○ خالقیان (کارشناس علوم قرآنی و دبیر شورا)
○ جلد اول (الف. ایا)	○ نویسندگان مقاله: محی الدین بهرام محمدیان، فضل الله خالقیان، بتول علی نیا، حسین مرادی، عیسی متقی زاده، محمدرضا برات پور، سیدجواد بهشتی، حسین جوان مهر و حسین سوزنچی
○ ناشر: دفتر انتشارات کمک آموزشی - کتاب رشد (وابسته به سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش)	○ چاپ اول - ۱۳۸۲
○ برنامه ریزی و نظارت بر اجرا: علیرضا حاجیان زاده، ناصر نادری، فضل الله خالقیان	○ قطع: رحلی کوتاه (۱ - چهار)
○ شورای علمی: حجت الاسلام دکتر محی الدین بهرام محمدیان (رئیس شورا)، حجت الاسلام سیدجواد بهشتی (کارشناس علوم قرآنی)، امیرحسین فردی (کارشناس ادبی)، دکتر فضل الله	○ ۱۵۰ + ۱۴ صفحه (کاغذ گلاسه مات) - رنگی (چهار رنگ) مصور
	○ ۵۰۰۰ نسخه
	○ بها: ۳۰۰۰ تومان

الف. معرفی

تفسیری، برای مخاطب معنی کند و روشن سازد. مدخل‌های این فرهنگنامه، از لغات و مفاهیم کلیدی گرفته تا اعلام گوناگون را در برمی‌گیرند. نخستین مجلد از فرهنگنامه قرآن کریم، حاوی ۱۳۰ مدخل است.

تاریخچه تدوین «فرهنگنامه قرآن کریم»

در مقدمه فرهنگنامه قرآن کریم، چگونگی شکل‌گیری این فرهنگنامه، توضیح داده شده است:

«همزمان با تشکیل واحد «کتاب رشد» در دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی - وابسته به وزارت آموزش و پرورش - موضوع تولید کتاب‌های کمک آموزشی درباره علوم و معارف قرآن کریم، در «شورای برنامه‌ریزی گروه قرآن کریم» مطرح شد. نتیجه این مباحث، تصویب چند طرح، از آن جمله طرح تولید «فرهنگنامه قرآن کریم» برای گروه سنی جوانان بود که در سال ۱۳۷۷ به تصویب نهایی رسید. آن چه باعث شد این طرح به عنوان یک اولویت مطرح شود، ضرورت فراهم ساختن فرصت و امکان تدبیر در قرآن کریم، البته با رعایت دو ویژگی زیر بود:

۱. رعایت تناسب فرهنگنامه با حوصله و ظرفیت ذهنی مخاطبان جوان

«در سالیان اخیر به برکت استقرار نظام جمهوری اسلامی، آموزش روحوانی، روانخوانی، قرائت و تلاوت قرآن نسبت به سالیان گذشته، پرشتاب به پیش رفته و شاید هیچ گاه در سده اخیر، کشور ما به اندازه امروز حافظ قرآن - آن هم در سنین نوجوانی و جوانی - به خود ندیده است. به طور حتم، این تلاش‌ها و کوشش‌ها، اقدام‌های بایسته و لازمی است که باید صورت می‌گرفت و هم چنین، پیگیری آن نیز ضرورت دارد. اما در مقایسه با آن چه بزرگان دین مخصوصاً ائمه معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) - توصیه و ترسیم کرده‌اند، هنوز راه درازی در پیش داریم.

گام بعدی، فراهم آوردن فرصت‌ها و امکانات مناسب برای فهم معارف قرآنی و تدبیر در آیات الهی است. آن چه که پیش روی شماست، تلاشی متواضعانه برای رسیدن به این مهم است.»

(بخشی از مقدمه فرهنگنامه قرآن کریم)

جلد نخست فرهنگنامه قرآن کریم، اثر نو انتشار و در مجموع، زیبایی است که به عنوان کتاب کمک آموزشی قابل استفاده مخاطبان دبیرستانی و گروه سنی جوان، روانه بازار شده است تا واژگان قرآن را به گونه‌ای تفصیلی و

۲. طرح و ارائه مطالب به کمک نثر روان و بهره‌گیری از عنصر عکس، تصویر و گرافیک مناسب در تولید فرهنگنامه.»

۴. محتوای مقاله باید با ظرفیت ذهنی و حوصله مخاطبان تناسب و هماهنگی داشته باشد.

۵. از اطناب و درازگویی باید پرهیز شود.

۶. زبان و نثر مقاله، باید ساده، روان و دور از تصنع و تفتن باشد.

۷. ساختار مقاله، به تناسب موضوع مدخل‌ها، باید در سه دسته کوتاه، بلند و اساسی تنظیم شود.

۸. در نگارش مقاله‌ها، باید واژگان پایه مخاطبان و قواعد دستوری زبان فارسی رعایت شود.

۹. برخی واژه‌ها و عبارات باید در حد ترجمه روان فارسی، همراه با ذکر شواهد قرآنی، توضیح داده شود.

ساخت مقاله

اجزای اصلی هر مقاله در این فرهنگنامه، عبارت‌اند از: مدخل (عنوان) اصلی، عنوان‌های فرعی، بدنه مقاله و امضای نویسنده آن.

مدخل بر دو نوع است: اصلی و ارجاعی. هر مدخل ارجاعی، به یکی از مدخل‌های اصلی ارجاع داده می‌شود. در چنین حالتی حداقل، توضیح لغوی مدخل آورده و سپس به مدخل اصلی ارجاع داده می‌شود. (در این فرهنگ، موارد غیر مشهور به مشهور، کنیه یا لقب به اسم، اخص به اعم، جزء به کل و نام منسوخ به نام رایج ارجاع داده می‌شود).

بدنه مقاله

بدنه مقاله در این فرهنگنامه، سه بخش دارد:

۱. پس از عنوان اصلی، ریشه فعل ماضی (صیغه مفرد مذکر غایب)، علامت عین الفعل مضارع و سپس مصدر درج می‌گردد و معنی ریشه ماضی، به عنوان برابرنهاد (معادل) ذکر می‌شود. مثلاً: علم: علم - علماً دانست.

۲. در صورتی که ریشه فعل در باب‌های دیگر، غیر از ثلاثی مجرد به کار رفته باشد، یا در یک باب، در معانی مختلف استفاده شده باشد، این موارد با ذکر آیه و شاهد مثال، توضیح داده می‌شود.

۳. پس از توضیح لغوی اگر مدخل نیازی به شرح و توضیح داشته باشد، به صورت مقاله‌های کوتاه، بلند و یا اساسی آورده می‌شود.

در نگارش این فرهنگنامه (همانند دیگر فرهنگ‌های مشابه)، از اختصاها و نشانه‌ها نیز استفاده شده است که البته، شمار آن‌ها ۸ (هشت) است و همچون برخی از فرهنگنامه‌ها نیست که فهرست اختصاها را آن‌ها چند صفحه را در برمی‌گیرد. (دوستی می‌گفت: بگذریم از این که حفظ اختصاها بسیار تا چه حد برای کسی که به این فرهنگنامه‌ها یا دانشنامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها مراجعه می‌کند، دشوار و مایه دردسر است، اما برای یکی از این دایرةالمعارف‌ها و دانشنامه‌های مشهور چند هزار صفحه‌ای، محاسبه کرده‌اند که اگر به جای انبوه اختصاها، آن، خود آن واژه‌ها و عبارات مورد استفاده قرار می‌گرفت، تنها ۱۲ صفحه به کل چند هزار صفحه افزوده می‌شد).

شیوه استفاده از فرهنگنامه

در مقدمه فرهنگنامه قرآن کریم، شیوه استفاده از این فرهنگنامه، چنین آمده است:

«این فرهنگنامه براساس ریشه کلمه‌ها و به ترتیب حروف الفبای زبان عربی تنظیم شده است. به این ترتیب آن دسته از واژه

معیارهای تدوین براساس آن چه در مقدمه فرهنگنامه قرآن کریم آمده است، این فرهنگنامه به این صورت تدوین می‌شود که پس از تعیین مدخل‌های اصلی و فرعی در «شورای علمی فرهنگنامه قرآن کریم»، این مدخل‌ها برای نگارش مقاله‌ها به نویسندگان سپرده می‌شود. در مرحله بعد، مقاله‌های تألیفی (از نظر تطبیق با معیارهای علمی - ساختاری مصوب شورا) به وسیله کارشناسان علوم قرآن ویرایش علمی می‌شود و سپس برای ویرایش ادبی (یعنی تطبیق با معیارهای ادبی نگارش مقاله‌ها)، در اختیار ویراستار فرهنگنامه قرار می‌گیرد تا با نظارت کارشناس ادبی فرهنگنامه، اصلاحات لازم در آن صورت گیرد. سرانجام، مقاله‌های اصلاحی، در شورای علمی فرهنگنامه به تصویب نهایی می‌رسد.

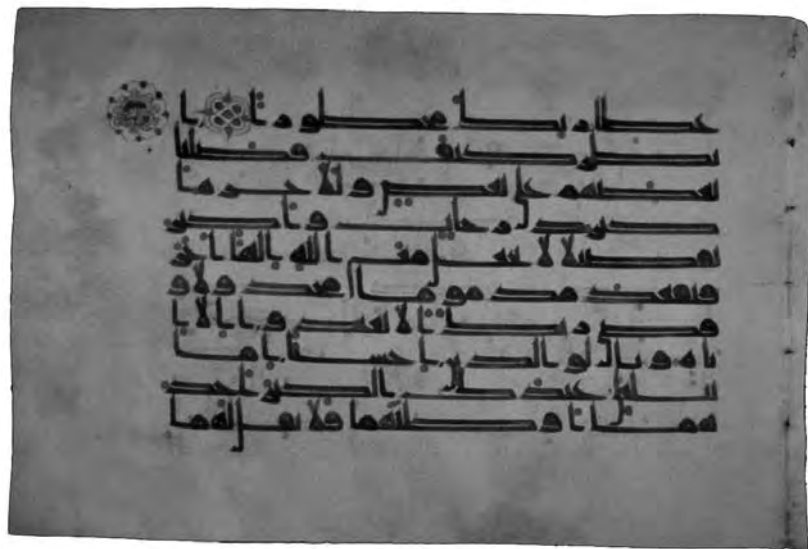
ضوابط و معیارهای علمی - ساختاری و ادبی نگارش مقاله‌های این فرهنگنامه، بدین قرار است:

۱. هر مقاله استقلال نسبی دارد؛ بنابراین باید جامع باشد.

۲. اطلاعات مقاله باید معتبر و مستند باشد؛ بنابراین باید منابع هر مقاله در پایان ذکر شود.

۳. در متن مقاله، تعبیرها باید منصفانه و بدون ثناگویی باشد.





این که ما این مکان‌ها را شناسایی کنیم، نام فعلی آن‌ها را بیاوریم، جای‌شان را در نقشه امروزین جغرافیا نشان دهیم و عکسی از آن محل در اختیار مخاطب بگذاریم کاری ارزشمند در پژوهش‌های قرآنی است

شکسته، به صورت قصار نویسی (ترکیب جمع) طراحی کرده است؛ شیوه‌ای که در آن، حروف و کلمات را با سوار کردن بر یکدیگر به شکلی سامان می‌دهد که زیباتر بنماید. البته در این نوع نگارش، هم اصول و ضوابط خوش‌نویسی و هم مبانی قصار نویسی و سوار کردن حروف و کلمات باید مراعات شود.

در نگارش عنوان این فرهنگنامه، ملاحظه می‌شود که:

۱. خوشنویس این عنوان، فاقد تبحر، آگاهی و اصول زیبانویسی است و مفردات او حتی در حد متوسط، از اصول و ضوابط و قواعد مرتبط با خط شکسته برخوردار نیست.

۲. در خوش‌نویسی نستعلیق یا شکسته، کشش کاف و گاف، جز به ضرورت و در حد ندرت و ناچاری، مرسوم نیست و توصیه نمی‌شود. در صورتی که در این عنوان، کاف «فرهنگنامه» و کاف «کریم» کشیده شده‌اند و زمینه ساز بدخوانی‌اند.

۳. طراحی عنوان، در مجموع به گونه‌ای است که به دشواری می‌توان عنوان را در بار اول و دوم خواند و به ویژه کشش کاف و گاف و قرار داشتن «فر» در بالای «فرهنگنامه» ای که گاف آن کشیده است، این توقع و توهّم را برمی‌انگیزد که در عنوان، واژه «فرهنگستان» قرار دارد. کشش کاف «کریم» نیز چیزی شبیه «کسر» را به خواننده القا می‌کند.

۴. مفردات حروف، به اصطلاح خوش‌نویسان «چاق» است و این چاقی، در کنار ضعف‌های دیگر مفردات، ناخوشایندتر جلوه می‌کند.

۵. ترکیب حروف و کلمات برای نگارش مجموعه عنوان، بی بهره از اصول و ضوابطی است که در سوار کردن حروف و کلمات در قصار نویسی باید مورد توجه قرار گیرد.

۶. اصولاً طراحی عنوان یک کتاب، به گونه‌ای دشوارخوان، توسط هیچ یک از طراحان جلد کتاب توصیه نمی‌شود؛ مگر این که پیام خاصی در بعضی از آثار و نگارش‌های خاص باشد که دشوارخوانی آن را توجیه کند و صد البته که این امر در آثاری مانند فرهنگنامه‌های جدی مصداق ندارد.

۲. تدوین ریشه‌ای

این که فرهنگنامه‌ای قرآنی براساس ترتیب ریشه‌ای لغات تدوین شود، امری طبیعی است، اما این واقعیت را نیز در نظر باید گرفت که ممکن است بسیاری از افراد، ریشه‌یابی ندانند و حتی این نیز واقعیت دارد که برخی ریشه‌دانان، درباره ریشه درست برخی واژه‌ها تردید دارند. به دلیل همین واقعیت اخیر است که مثلاً در آغاز «المعجم المفهرس الالفاظ القرآن الکریم» محمد فؤاد عبدالباقی، فهرستی از برخی واژه‌ها و ریشه‌های آن‌ها را می‌بینیم.

هایی که ریشه ثلاثی آن‌ها با حرف «الف» شروع می‌شود، به ترتیب حرف اول، دوم و یا سوم آن‌ها مرتب شده‌اند... در پایان هر مقاله، به جای نام نویسنده، شماره شناسایی درون مربع کوچکی چاپ شده است. این شماره‌ها بر مبنای نام نویسندگان مقاله‌ها که در بخش همکاران جلد اول فرهنگنامه چاپ شده، به کار رفته است.»

آغاز و انتها

در انتهای این مجلد از فرهنگنامه قرآن کریم، کتابنامه و نمایه آمده است. نمایه شامل مدخل‌ها، آیات (به ترتیب سوره)، روایات (به ترتیب گوینده) و اعلام (به ترتیب الفبا) است.

فهرست مطالب در ابتدای کتاب، مدخل‌ها را به ترتیب درج در کتاب، پیش روی خواننده می‌گذارد.

در پشت جلد کتاب می‌خوانیم:

«فرهنگنامه قرآن کریم، پنجره‌ای به باغ سبز قرآن کریم است؛ باغ جلودانه‌ای با آسمان آبی ملکوت و نسیم روح نواز با عطر بهشت.

در این مجموعه سعی شده است مفاهیم انسان‌ساز قرآن کریم، حوادث تاریخی و شخصیت‌های مثبت و منفی داستان‌های آن، با زبان و بیان دلنشین و متناسب با مخاطبان و با استفاده از عنصر تصویر، به نحو شایسته ارائه شود.» در صفحه عنوان و شناسنامه لاتین انتهای کتاب نیز ترجمه همین عبارات را به انگلیسی می‌خوانیم.

صفحه‌آرایی کتاب، دوستونی با حاشیه‌ای حدود ۶ سانت، حروف آن خوانا، آیات و روایات دارای اعراب و عناوین مدخل‌ها همراه با طرحی سنتی و در زمینه‌ای رنگی است. در جای جای صفحات این کتاب رنگی، طرح یا عکس درشت یا ریز متناسب با موضوع را می‌توان دید.

ب. نکته‌های اصلاحی و تکمیلی

آن چه تا به این جا آمد، کلیاتی در شناخت فرهنگنامه قرآن کریم بود. در بندهای آتی، به برخی موارد اصلاحی و تکمیلی کلی و قابل ذکر در جلد نخست این فرهنگنامه می‌پردازیم و نمونه‌هایی را برمی‌شماریم که با بازنگری در جلد نخست و ملاحظه در مجلدات بعد، می‌تواند مایه اصلاح، ارتقا و کارایی بیشتر این مجموعه شود.

۱. عنوان جلد

نوشته روی جلد این فرهنگنامه، عنوان «فرهنگنامه قرآن کریم» را با خط

۳. توضیح‌ها: اضافات، کاستی‌ها، تناقض‌ها

به نظر می‌رسد که در برخی مدخل‌های این فرهنگنامه، جای توضیح‌هایی خالی است یا توضیح‌ها و اطلاعاتی اضافی به چشم می‌خورد. مثلاً در مدخل «الف»، به این امر اشاره نشده است که الف یکی از حروف مقطعه است و در نتیجه می‌تواند با ارجاع، توضیح‌هایی برای حروف مقطعه در ماده «الم» و معانی احتمالی که برای الف حدس زده‌اند، آورد.

در مقابل، مثلاً در مدخل «اکل»، اطلاعاتی بسیار از متون فقهی و روایی شیعه و فتواها و اقوال فقیهان درباره غذاهای حیوانی حلال و حرام که ذکری از آن‌ها در قرآن نیامده است، می‌خوانیم و جای ارتباط آن‌ها را با کلیات یا مصادیق آیات خالی می‌بینیم. آداب غذا خوردن و مستحبات و مکروهات آن نیز چنین وضعیتی دارد. در همین مدخل، با آن که تقریباً همه آیات مرتبط با خوردن و آشامیدن را می‌بینیم، نشانی از آیه ۹۶ سوره مائده (۵) نمی‌یابیم که: «أَجَلٌ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ مَتَاعاً لَكُمْ وَ لِلسَّيْرَةِ» (صید دریا برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران [دریا در کشتی] بهره‌ای باشد). بی‌گمان با ذکر این آیه، باید پاسخی نیز برای عمومیت و اطلاق آن داشته باشیم که وقتی خداوند صید دریا را بدون قیدی و تخصیصی حلال کرده است، روایات و فتوایی که تنها ماهی‌های پولک دار و میگو و از این قبیل را حلال می‌دانند، چه استنادی به قرآن می‌توانند داشته باشند؟ به ویژه این که معصومان تأکید دارند که روایات آن‌ها نه تنها مخالف قرآن نیست، بلکه مستند به قرآن است و شیعیان حق دارند برای هر روایت، مستندی در قرآن، از معصوم طلب کنند.

یک نمونه نیز برای موارد متناقض ذکر می‌کنیم: در مدخل «اتم»، ذکری از آیه معروف درباره شراب و قمار آمده است که با شماره ۲۱۹ در سوره بقره (۲) قرار دارد: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخمرِ وَ الْمَيْسِرِ. قُلْ فِيهِمَا اِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَ اِثْمُهُمَا اكْبَرُ مِنَ نَفْعِهِمَا». و سپس با توجه به مقابله «اتم» با «منافع» و «اثمهما» با «نفعهما» چنین نتیجه گرفته شده که: «معنای اصلی «اتم» ضرر است، چون همیشه ضرر، مقابل نفع است.» (ص ۱۰-۱۱) و سپس شواهد دیگری نیز برای این معنی آورده شده است. اما این معنی (معنی ضرر)، نه تنها در ترجمه این آیه در همین مدخل لحاظ نشده، بلکه در مدخل «اکل» نیز در برابر «اتم»، واژه «گناه» نهاده شده است (ص ۵۶). در هر حال، ترجمه درست آیه - براساس مدعای این فرهنگنامه چنین می‌شود: «درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند. بگو: در آن دو، زیان‌هایی بزرگ و سودهایی برای مردم است، ولی زیان آن دو از سودشان بیشتر است.»

علت آن که برای این دوگانگی معنی، تعبیر تناقض را به کاربردیم، از آن رو بود که بجز در واژه‌های مشترک (یعنی واژه‌هایی که دو یا چند معنی موازی دارند)، آن هم واژه‌هایی مشترک که در یک متن، دو معنی موازی را القا می‌کنند و مایه غنای متن یا ابهام یا چند پهلویی می‌شوند، دیگر واژه‌ها در یک متن، بیش از یک معنی حقیقی ندارند و انتخاب دو معنی حقیقی برای آن‌ها موجب تناقض می‌شود. در ترجمه قرآن نیز وظیفه مترجم، درج معانی حقیقی، در صوت نبود قرینه صارفه است. بنابراین، اگر معنی «اتم» در این آیه، «ضرر» و «زیان» باشد، برابر نهاد «گناه» در ترجمه آن، با این معنی در تضاد یا تناقض خواهد بود.

۴. مخاطب‌شناسی و یکتواختی

در برخی مدخل‌ها مشاهده می‌شود که مبنا بر این بوده که مخاطب، از اطلاعات مربوط باخبر است. بنابراین، به کم‌ترین توضیح یا حذف توضیح اکتفا و به ذکر مورد بسنده شده است. این در حالی

در هر حال، آن چه می‌تواند کاربرد این فرهنگنامه قرآن کریم را افزایش بخشد و مخاطبان بیشتری را پوشش دهد، این است که خواننده قرآن کریم، هرگاه به واژه‌ای - اعم از اسم، فعل یا حرف با همه شکل‌های صرفی آن - برخورد، فهرستی در این فرهنگنامه در اختیار خویش داشته باشد که مثلاً به او بگوید واژه‌های «مأرب» و «تأکلون» دارای ریشه‌های «ارب» و «اکل» اند و او می‌تواند برای دریافت معانی آن‌ها به این ریشه‌ها مراجعه کند و یا واژه‌هایی مانند «اقرب» و «اختیار» برخلاف ظاهر خود دارای ریشه‌های «قرب» و «خیر»ند و باید در این ماده‌ها به دنبال آن‌ها بود.

قراردادن نمایه‌ای برای واژه‌هایی از قرآن کریم که ریشه آن‌ها در این جلد آمده، یکی از نیازهای تکمیلی جلد نخست فرهنگنامه قرآن کریم است. ضمن این که آوردن این واژه‌ها در متن فرهنگنامه و ارائه معنی و توضیح کوتاه آن‌ها و سپس ارجاعشان به ریشه، کاری بس ارزشمندتر است که به غنا و کارکردهای بیشتر این فرهنگنامه خواهد افزود.

در فرهنگنامه قرآن کریم به نظر می‌رسد توجه بیشتری

به مسائل مربوط به نگارش، ویرایش صوری و

توجه به املائی درست کلمات، ضروری باشد.

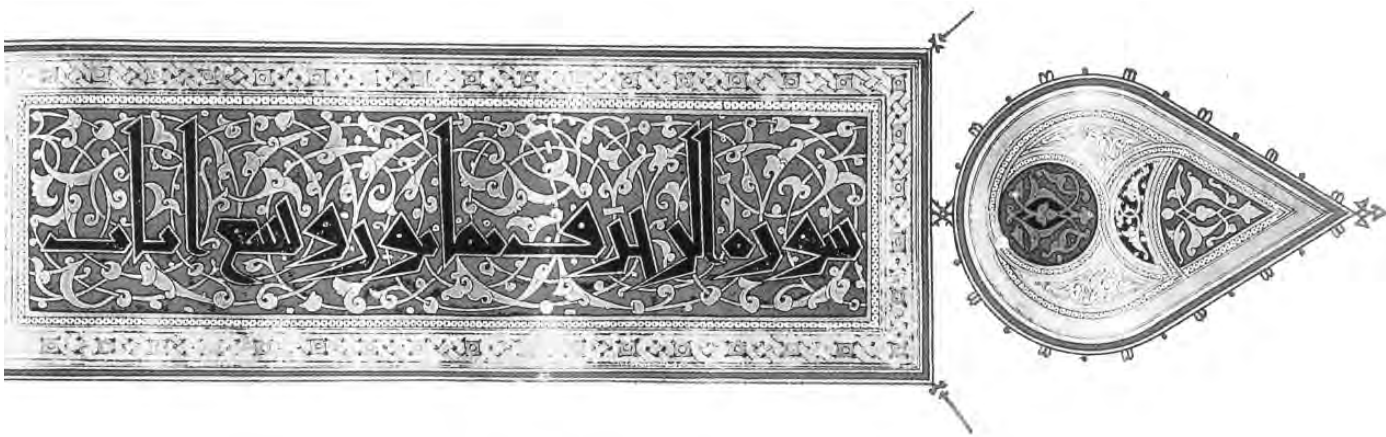
می‌دانیم که «عسکر» و «عسکری» واژه‌هایی عربی‌اند

و چون در عربی حرف گاف وجود ندارد،

نگارش این واژه‌ها به صورت «عسگر» و «عسگری»

غلط است





به نظر می‌رسد که در برخی مدخل‌های این فرهنگنامه، جای توضیح‌هایی خالی است یا توضیح‌ها و اطلاعاتی اضافی به چشم می‌خورد. مثلاً در مدخل «الف»، به این امر اشاره نشده است که الف یکی از حروف مقطعه است و در نتیجه می‌توان با ارجاع، توضیح‌هایی برای حروف مقطعه در ماده «الم» و معانی احتمالی که برای الف حدس زده‌اند، آورد

۶. ضبط اعلام

یکی از ضعف‌های جدی فرهنگنامه قرآن کریم، نقل برخی اطلاعات از منابع عربی ترجمه شده، بدون تغییر تلفظ عربی اعلام غیرعربی، به صورت اصل یا صورتی است که در فارسی تلفظ می‌شود. ذکر نام‌هایی مانند «پولس» از منابع عربی مورد استفاده به همین صورت عربی شده و عدم تغییر آن‌ها مثلاً به «پولس» در ترجمه، جای خالی حضور افراد مدخل‌نویس یا ویراستار زبان‌شناس و ترجمه‌دان را نشان می‌دهد.

۷. برخی غلط‌های نگارشی

در فرهنگنامه قرآن کریم به نظر می‌رسد توجه بیشتری به مسائل مربوط به نگارش، ویرایش صوری و توجه به املاي درست کلمات، ضروری باشد. برای نمونه، در صفحه شناسنامه، کلمه «فضل الله»، به صورت «فضل اله» نوشته شده که درست نیست. هم‌چنین، می‌دانیم که «عسکر» و «عسکری» واژه‌هایی عربی‌اند و چون در عربی حرف گاف وجود ندارد، نگارش این واژه‌ها به صورت «عسگر» و «عسگری» غلط است (شناسنامه کتاب). تنها در یک صورت، نام یا نام خانوادگی افراد را بدون غلط می‌توان نوشت و آن این که در شناسنامه آن‌ها غلط نوشته شده باشد و خود آن‌ها نیز مایل باشند که نامشان به همان صورت غلط نوشته شود.

۸. نکته‌ای در نسخه‌پردازی

در ویرایش صوری یا رو ویرایش که گاه بخشی و گاه همه فعالیت‌های نسخه‌پردازی را شامل می‌شود، گاه نکته‌ای دقیق و ظریف که در کتاب‌های استاندارد آموزش ویرایش نیز به آن اشاره شده، از نظر ویراستار صوری مخفی می‌ماند یا ویراستار صوری، فاقد مطالعه، آموزش یا آگاهی در این باره است. طرح این موضوع و پرداختن به جوانب مختلف دشواری‌ها، بحران‌ها و کاستی‌های مسائل مرتبط با ویرایش و آموزش ویرایش در ایران، از حوصله این

است که در برخی دیگر از مدخل‌های این فرهنگنامه، اطلاعات و توضیحات برای مخاطبی بدون حداقل اطلاعات، ارائه شده‌اند. مثلاً اطلاعاتی که در مدخل «الف» دربارهٔ موارد تجویدی مربوط به این حرف آمده، تنها برای مخاطب تجویدشناس قابل استفاده است و اطلاعات مربوط به خوردنی‌ها، در مدخل «اکل» و برده‌داری در ماده «امه» به گونه‌ای است که گویی قرار است مجموعه‌ای از این اطلاعات، به استناد فرهنگ اسلامی - شیعی، به وسیله این فرهنگنامه در اختیار مخاطب گذاشته شود.

۵. اعلام جغرافیایی

اگر قرار باشد کار و پژوهش تازه‌ای برای این فرهنگنامه قرآنی تعریف کنیم تا وجه تمایز و برتری ارزشمندی میان گردآوری صرف با نیازسنجی، زمان‌شناسی و پژوهشگری روشنگرانه و ابهام‌زدایانه باشد، بی‌گمان یکی این خواهد بود که تحقیقی صورت پذیرد که مکان اعلام جغرافیایی قرآن، با جغرافیای امروزی و نام‌های فعلی، شناسایی و معرفی شود. این که ما این مکان‌ها را شناسایی کنیم، نام فعلی آن‌ها را بیاوریم، جایشان را در نقشه امروزی جغرافیا نشان دهیم و عکسی از آن محل در اختیار مخاطب بگذاریم کاری ارزشمند در پژوهش‌های قرآنی است. ذکر نام‌های قدیم این مکان‌ها، تنها در کنار این اطلاعات است که مفید خواهد بود؛ و گرنه این که تنها به نقل اکتفا کنیم و مثلاً بگوییم که فلان مکان در کنار «بحر قُلزم» بوده است، با فرض این که روی نقشه جغرافیا این نام را نتوان دید، خدمتی به مخاطب نیست و با فرض این که بتوان دید، تعبیر «دریای سرخ» مناسب‌تر است.

البته در این زمینه، پژوهش‌ها و تألیف‌هایی نیز داریم که یکی از آن‌ها کتابی است با نام «باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن» نوشته حجت الاسلام بی‌آزار شیرازی که به چاپ چندم رسیده و جای آن در کتابنامه و فهرست منابع و مأخذ «فرهنگنامه قرآن کریم» خالی است.

بحث خارج است و بنده به تناسب، در برخی شماره‌های کتاب هفته، یادداشت‌هایی در این باره داشته‌ام. در این جا به تناسب، موضوعی به ظاهر کوچک، اما از چپتی مهم و راهبردی را مطرح می‌کنم.

همه می‌دانیم که خط فارسی، از راست به چپ نوشته می‌شود. نیز همه می‌دانیم که عدد را از چپ به راست می‌نویسند. حال دقت کنید: عدد را از چپ به راست می‌نویسند، یعنی چه؟ یعنی این که «ارقام یک عدد» را از چپ به راست می‌نویسند. به عبارت دیگر، هرگاه بخواهیم «یک عدد» چند رقمی بنویسیم، «رقم‌ها»ی آن را از چپ به راست می‌نویسیم. مثلاً سی صد و بیست و پنج را ۳۲۵ می‌نویسیم، نه ۵۲۳.

باز دقت کنیم: خط فارسی از راست به چپ نوشته می‌شود، یعنی چه؟ یعنی این که هم حروف یک کلمه و هم کلمات متوالی، به ترتیب خواندن، از راست به چپ نوشته می‌شوند. مثلاً اگر بخواهیم بنویسیم: «از تهران تا شیراز»، آن را به همین صورت از راست به چپ می‌نویسیم. گاه نیز به جای «از... تا...» خط تیره به کار می‌بریم و می‌نویسیم: «تهران - شیراز». حال اگر بخواهیم بنویسیم: «از سیصد و بیست و پنج تا هفتصد و شصت و نه»، باز همین صورت درست (از راست به چپ) است. اگر بخواهیم به جای «از... تا...» از خط تیره استفاده کنیم، درست چنین خواهد بود: «سیصد و بیست و پنج - هفتصد و شصت و نه». حال بیاییم و به جای حروف، خود اعداد را بگذاریم. خواهیم داشت: «۳۲۵-۷۶۹» یعنی: «از ۳۲۵ تا ۷۶۹». این جا «دو عدد» داریم که یکی اول باید خوانده شود و دیگری دوم. فارسی را هم از راست به چپ می‌نویسیم؛ به ترتیبی که باید خوانده شود. از چپ به راست نوشتن «رقم‌های یک عدد» با از راست به چپ نوشتن «دو عدد متوالی» منافاتی ندارد. آن جا یک عدد است و این جا دو عدد؛ آن جا رقم‌های یک عدد است و این جا

خود دو عدد به ترتیبی که هر کدام نسبت به دیگری دارند. خط فارسی نیز از راست به چپ نوشته می‌شود؛ بجز در رقم‌هایی که عددها از آن تشکیل می‌شوند که آن‌ها را از چپ به راست می‌نویسیم. نمونه دیگری برای از راست به چپ نویسی «عددها»ی متوالی، نگارش تاریخ است. مثلاً ۲۷ بهمن ۱۳۸۳ را از راست به چپ، به صورت ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ می‌نویسیم، نه ۲۷/۱۱/۱۳۸۳.

آن چه گفته شد، نکته‌ای است که بسیاری از ویراستاران صوری که آموزش‌های کافی ندیده‌اند، به آن توجه ندارند و بنابراین، مثلاً ۱۷ تا ۲۵ را به جای ۱۷-۲۵ به صورت ۲۵-۱۷ می‌نویسند. در «فرهنگنامه قرآن کریم»، برخی اعداد متوالی به جای این که از راست به چپ نوشته شوند، از چپ به راست نوشته شده‌اند (نمونه: ۳۱-۲۷ در ص ۲، ماده «اب»؛ و ۱۰-۹ در صفحه ۸۳، ماده «اما»..)

۹. اعراب‌گذاری

یکی از دشواری‌های خوانش آثار تاریخی و رجالی، تلفظ اسامی خاص است. این اسامی نیز اکثراً قیاسی و قاعده‌پذیر نیستند و جز با آگاهی از تلفظ واقعی آن‌ها، نمی‌توان آن‌ها را درست خواند. یکی از کاستی‌های بزرگ تصحیح متون نیز همین فقدان یا کمبود اعراب‌گذاری لازم بر اعلام است؛ کاری دشوار که با توجه به کمی منابع و نیاز به پژوهش‌های مستند و زبان‌شناسانه و آگاهی از زبان مردم اعصار کهن و سده‌های گذشته و بهره‌گیری از متون معتبر، دشوارتر می‌نماید. البته، برخی پژوهش‌های انجام یافته در این مورد را نباید نادیده گرفت.

همانند آن چه درباره جایگاه اعلام جغرافیایی و نام امروزی و مکان‌یابی آن‌ها گفته شد، کمبود اعراب در برخی اعلام نیز جای

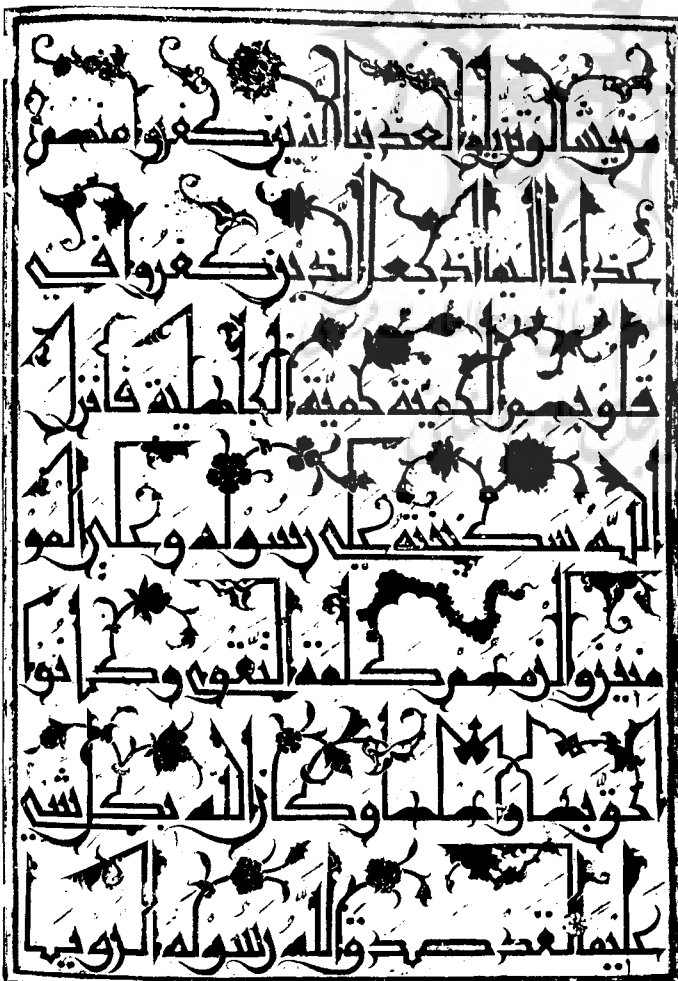
خالی خود را در این فرهنگنامه نشان می‌دهد. نبود یا نقص اعراب‌گذاری این واژه‌ها را در جای جای این اثر می‌توان دید. برای نمونه، نام پدران حضرت ابراهیم (صص ۳-۴) فاقد اعراب‌گذاری لازم است و نام قبیله «جرهم» و نام‌هایی مانند «قیدار»، «حیفا»، «مدین» (ص ۴۱)، «حسان بن ثابت»، «زینب بنت جحش» (ص ۵۰) و... را از موارد نقص اعراب می‌توان برشمرد.

برخی عنوان‌های مدخل‌ها نیز فاقد اعراب یا دارای اعراب ناقص‌اند؛ مانند: «افک»، «اسرائیل»، «ایل»، «آسین» (که به صورت «اسن» آمده است)، «الیاسین» و... این در حالی است که دیگر مدخل‌ها از اعراب و سکون کامل برخوردارند.

اگر در اعراب‌گذاری‌های آیات و روایات مرتبط با مدخل‌ها نیز بازنگری صورت پذیرد، مواردی از کمبود اعراب (فتحه، کسره، ضمه...) را می‌توان دید.

۱۰. اغلاط نمونه‌خوانی

امروزه وجود غلط‌های مرتبط با نمونه‌خوانی در کتاب، به امری قابل اغماض تبدیل شده است و بخشی از ضایعات کتاب به حساب می‌آید. این فرهنگنامه نیز از این آفت مصون نمانده است، گرچه نگارنده هنگام مطالعه این اثر به یاد نمی‌آورد که به کمبود یا غلطی برخورد کرده باشد که به طور قطع بتوان آن را به نمونه‌خوانی نسبت داد. کمبودها یا غلط‌های احتمالی، ممکن است در اصل دست‌نوشته باشند. نمونه‌هایی مانند «زینب بنت جحش» که در فهرست اعلام (ص ۱۴۴) به صورت «زینب بنت جحش» می‌بینیم، از موارد نادری است که نمی‌تواند دقت این فرهنگنامه را در نمونه‌خوانی خدشه‌دار سازد. به هر حال، این فرهنگنامه از نظر نمونه‌خوانی، کاری خوب به شمار می‌آید.





اجزای اصلی هر مقاله در این فرهنگنامه، عبارت اند از: مدخل (عنوان اصلی)، عنوان های فرعی، بدنه مقاله و امضای نویسنده آن. در هر حال، آن چه می تواند کاربرد این فرهنگنامه قرآن کریم را افزایش بخشد و مخاطبان بیشتری را پوشش دهد، این است که خواننده قرآن کریم، هر گاه به واژه‌ای - اعم از اسم، فعل یا حرف با همه شکل های صرفی آن - برخورد، فهرستی در این فرهنگنامه در اختیار خویش داشته باشد

غذاخوری دور از مقصود است.

۶) برای ماده «ایلیل» (دسته دسته، گروه گروه) (ص ۸)، با توجه به ماجرای لشکر ابرهه و پرندگان، بهتر بود از تابلویی نقاشی شده در این باره یا عکس گروه پرندگان استفاده می شد. در این فرهنگنامه در کنار این ماده، تنها تصویر یک پرندۀ در حال پرواز را می بینیم. در مجموع نیز می توان برخی عکس های این فرهنگنامه را تزئینی و برخی را قابل حذف ارزیابی کرد و در صورت پذیرش این عکس ها برخی را با توجه به رعایت یکنواختی کار، قابل افزایش دانست.

۱۲. طرح ها

طرح های یک فرهنگنامه نیز باید همان نقشی در آن ایفا کنند که درباره عکس ها برشمردیم. فرهنگنامه قرآن کریم نیز حاوی طرح های تزئینی و تکمیلی است. موضوع این طرح ها تصاویر انبیا، غلام و کنیز، شتر، نشانه های غارنشینی، شاخه های درخت، تصویر زنی جوان (به عنوان خواهر)، نمادهایی از آدم و حضرت زهرا (س) و تصویری از مادر است.

به نظر می رسد که جای ذکر نکته ای مهم در تصویرسازی چهره پیامبران، امامان و اولیا در همین جا باشد. نگارنده این بحث را یک بار در شماره ۱۴۱ کتاب هفته (شنبه ۱۹ مهر ۱۳۸۲)، ص ۱۸، ستون «دیباچه» با عنوان «پیکرنگاری ابراهیمیان» مطرح کرده است و در این جا اشاره ای خواهد آمد که با نقل هایی مستقیم، غیر مستقیم و کاهش ها و افزایش هایی نسبت به آن نوشتار، خواهد آمیخت:

یکی از نیازهای ضروری پژوهشی در تصویرگری کتاب های دینی، ساخت فیلم ها و اجرای نمایش های مذهبی و آفرینش تندیس ها، عبارت است از تعیین شکل چهره و دست ها، استخوان بندی بدن و حالت مو و اندام انبیا ابراهیمی و نسل ابراهیم (ع)، از جمله پیامبر اسلام (ص)، شخصیت های معصوم شیعه، انبیا بنی اسرائیل و برخی عالمان و بزرگان. اعم از زن و مرد. که از نسل پیامبر اسلام و ائمه معصوم اند.

۱۱. عکس ها

یکی از ویژگی های این فرهنگنامه، مصور بودن آن است. تصویر در یک فرهنگنامه، علاوه بر زیبایی آفرینی، نقش مکمل مطالب را باید ایفا کند. این فرهنگنامه، هم از عکس و هم از طرح، در کنار برخی ماده ها بهره گرفته است. درباره برخی عکس های فرهنگنامه قرآن کریم، ملاحظاتی را می توان مطرح ساخت:

۱) صفحات ۱۱ و ۱۲ دارای عکس هایی از دریا هستند که با ارتباطی با صفحات و ماده های نزدیک به خود ندارند یا اگر ارتباطی داشته باشند، بسیار ضعیف است. مثلاً در صفحه ۱۱، ماده «أجاج» ناظر به این است که خداوند دو دریا را به سوی هم روان کرده که یکی شیرین و گوارا و دیگری شور و تلخ است. در این جا اگر عکسی از محلی در کره زمین می آمد که این دو دریا به هم پیوسته اند، در کنار شناساندن این مکان در توضیحات مربوط به این ماده، و نهادن زیرنویس برای عکس، کاری بس ارزشمند در نگارش و پدیدآوری این فرهنگنامه به شمار می آمد.

۲) در صفحه ۶۹، کنار ماده «اللهم»، مردی جوان را در حال تشهد نماز می بینیم. تصویر مناسب برای این ماده، آن است که عکس کف دستی باشد روبه سوی بالا، همراه با دیگر اندام های انسانی یا بدون آن.

۳) در کنار ماده «أنف» (بینی) (ص ۹۷) عکسی از کودکی است که یک چشم او نیز پیداست. زاید بودن این بخش از عکس کاملاً آشکار است.

۴) در صفحه ۹۹، کنار ماده «أهل» (خانواده، خاندان، خویشان، کسان)، عکسی نیمه تاریک و تقریباً دور از خانواده ای می بینیم با یک مرد سیاه پوش، دو خانم چادرمشکی و یک پسر با لباس آبی که روی چمن یک پارک، زیر درخت صنوبر، سر در سفره ای فرو برده و مشغول غذا خوردن اند. پیداست که تصویرهایی روشن تر، صریح تر و زیباتر برای نمایاندن مفهوم خانواده می توان انتخاب کرد.

۵) برای ماده «اثاث» (اسباب و اثاثیه خانه) (در صفحه ۹) نیز تصویر میز

سادات هدایت کند که در حالت‌های چاق، متوسط و استخوانی و کودک و جوان و پیر، چگونه می‌توانند باشند. در نتیجه به آن‌جا خواهیم رسید که اجداد آن‌ها - یعنی پیامبر اسلام و نسل معصوم او - در هر میزان از چاقی و لاغری و بلندی و کوتاهی اندام و چهره در سنین مختلف چه قیافه‌ای می‌توانستند داشته باشند. پژوهش در عناصر دیگر - مانند شکل دست‌ها - نیز ممکن است ما را به این‌جا بکشاند که مثلاً انگشتان دست این قدیسان و نسل خاص آن‌ها، در حالت‌های چاق و لاغر، به صورت مخروطی و کشیده بوده است، نه مثلاً استخوانی یا پهن.

اطلاعاتی دیگر درباره قبیله بنی هاشم و شکل ظاهری چهره و اندام و

پوشش و رفتار آن‌ها، به علاوه بررسی علمی در طرز راه رفتن و آهنگ صدای سادات مورد اشاره، همراه با مطالعه متون مذهبی، درباره طرز پوشش مورد توصیه اسلام و پوشش‌های پیشوایان اسلام، بخشی دیگر از این پژوهش است. راه دستیابی به دیگر عناصر و ویژگی‌های مرتبط با قدیسان نیز چنین است. همین پژوهش‌ها را در متون معتبر یهودی، قبایل یهود و یهودیان اصیل امروز و دیروز جهان می‌توان داشت.

نتیجه این مطالعات، ما را به مشخصات بسیاری درباره نسل اسماعیل و اسحاق (فرزندان حضرت ابراهیم(ع)) رهنمون خواهد بود و در نتیجه، به ویژگی‌های این دو پیامبرزاده و سرانجام، به ویژگی‌های حضرت ابراهیم (ع) خواهیم رسید.

این پژوهش‌ها باید در مرکز یا مراکز صورت پذیرد و نتیجه آن‌ها در اختیار تصویرگران و دیگر هنرآفرینان ما باشد تا بر آن اساس، آثار خود را خلق کنند.

شاید اگر هنرمندی نیز بدون داشتن نتایج این پژوهش‌ها، هم اکنون که قصد تصویرگری یک کتاب یا طراحی یک اثر نمایشی دارد یا در حال اجرای کار است، نگاهی به چهره سادات زیبارو، عالم و فرزانه دور و بر خود بیندازد یا تصویر آن‌ها را نگاه کند یا تصاویر روحانیون یهودی و طلاب و دین‌آموزان اورشلیم را از روزنامه‌ها، ماهواره‌ها و شبکه‌های تصویری جهانی ببیند، بتواند حدود هفتاد و پنج درصد اطلاعات مرتبط با چهره نگاری و تصویرگری اندام آن‌ها را کسب کند و در نتیجه در تصویرگری ابراهیم و انبیای ابراهیمی و نسل آن‌ها، نگرشی بسیار نزدیک‌تر به واقعیت بیابد.

باری؛ نگاهی به تصویر اسماعیل در ص ۴۲ و تصویر ایوب در صفحه ۱۰۷ جلد اول فرهنگنامه

قرآن کریم، نشان‌دهنده جای خالی نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر در تصویرگری انبیا و نسل آن‌هاست. استخوان‌بندی چهره و پیشانی، طرز پوشش و نگاه نگران تصویر یک جوان که به همراه مطالب مربوط به اسماعیل می‌بینیم و تصویر نیمرخ پیرمرد تکیده و لاغر اندام با چشمان بسته و چهره خسته و نیازمند استراحت و آرامش، ما را به فضای حضور انبیای ابراهیمی نمی‌برد و با آن‌چه در نسل آن‌ها مشاهده می‌کنیم، تفاوت بسیار دارد. در مقابل، تصویرهای فاقد جزئیات چهره در پایین صفحات ۵ و ۶ که یکی ابراهیم را پس از شکستن

نقاشان و پیکره‌سازان بزرگ، برای این‌که مثلاً چهره و اندام فردوسی طوسی یا حافظ شیرازی را به تجسم درآورند، نخست به گزارش‌های تاریخی درباره او می‌پردازند، سپس در نژاد او تحقیق می‌کنند و اگر دریابند که مثلاً طوسی یا شیرازی اصیل و از دو سو (پدر و مادر) هم‌نژاد است، به بررسی مشخصات چهره و اندام و پوشش مردم آن منطقه و تیره و قبیله می‌پردازند و با گردآوری برخی مشترکات مردم هم‌نژاد و هم‌شهر و هم‌قبیله و هم‌تیره او، تصویری از وی می‌سازند که طبیعتاً باید کم‌ترین اختلاف و بیشترین شباهت را با مثلاً فردوسی یا حافظ داشته باشد. حتی اگر از نسل او نیز بازماندگانی معلوم باشد، می‌توان با دریافت شباهت‌های آنان، به مشترکاتی رسید. ملاحظه

خلقیات و فرزاندگی‌ها و دیگر مسائل روحی، معنوی و علمی که در چهره آشکارند و بیننده را با این پیش‌داوری رو به رو می‌کنند که این فرد باید اهل دانش، دین، عرفان، هنر، ادب، شجاعت، مهربانی و از این قبیل باشد نیز عامل دیگری در کنار این هاست. به علاوه همه، باورهایی مربوط به آن شخص که در تعیین شکل ظاهری فرد - مانند مقدار و حالت و شکل مو، آرایش مو و صورت، زینت‌های دست و پا، چگونگی پوشش و از این قبیل - مؤثرند نیز در تعیین تصویر نهایی چهره و اندام تأثیر دارند.

متأسفانه در طی تاریخ، تصویرگران و تندیس‌آفرینان مذهبی، نسبت به این پژوهش علمی و مردم‌شناختی، قبل از خلق اثر، بی‌توجه یا کم‌توجه بوده‌اند و این نقیصه حتی در آثار نمایشی و فیلم‌های سینمایی تا به امروز نیز وجود دارد. تصویرسازی عیسی ناصری که از نژاد سامی و اهل سرزمین فلسطین است، به صورت انسانی اروپایی با موهای طلایی و چشمان آبی و دادن نقش موسی (ع) به برت لنکستر - که هیچ شباهتی به یک یهودی اصیل ندارد - در فیلم «موسی» و برخی اشکال‌ها در صدا، شکل دست و پیکر و برخی موارد دیگر مرتبط با شخصیت‌ها در مجموعه‌های تلویزیونی مرتبط با امام علی (ع) و امام رضا (ع) و تصویرهایی که در بسیاری از آثار مکتوب می‌بینیم، بخشی از موارد بروز نقص یا فقدان پژوهش در این زمینه‌اند.

به هر حال، پژوهش درباره شکل ظاهری انبیا و ائمه، گاه چندان دشوار و پیچیده نیست. بررسی مستندات و روایات معتبر درباره مشخصات ظاهری آنان، نخستین گام است. سپس در مورد پیامبر اسلام (ص) و خاندانش (ع)، اگر به چهره سادات زیبارو، جذاب و اهل علم

و فرزاندگی یا تصاویر آن‌ها نگاهی بیندازیم، مشترکات بسیاری در آن‌ها خواهیم دید؛ از شکل چشم و ابرو و بینی و حالت موهای سر و صورت و شکل پیشانی و دیگر عواملی - مانند رنگ چهره و موها و شکل چشم‌ها - که در شکل‌گیری یک چهره مؤثرند. کاری آماری و بسامدی در هر مورد، می‌تواند اطلاعات بسیار ارزشمندی به ما بدهد و میزان دخالت ویژگی‌های نژادهای دیگر را به دلیل ازدواج نسل‌ها با نژادها و خاندان‌های دیگر مشخص کند و آن‌ها را از نتیجه پژوهش خارج سازد. حتی ما را به دسته بندی پیکرها و چهره‌های این



در برخی مدخل‌ها مشاهده می‌شود که مبنا بر این بوده که مخاطب، از اطلاعات مربوط باخبر است. بنابراین، به کم‌ترین توضیح یا حذف توضیح اکتفا و به ذکر مورد بسنده شده است. این در حالی است که در برخی دیگر از مدخل‌های این فرهنگنامه، اطلاعات و توضیحات برای مخاطبی بدون حداقل اطلاعات، ارائه شده‌اند

بت‌ها و دیگری در حالت نشسته نشان می‌دهد، از نظر استخوان بندی و طرح چهره و اندام، تاحدی به ویژگی‌های مورد انتظار نزدیک‌تر شده است. این که نگارنده به خود اجازه می‌دهد قضاوت اولیه‌ای درباره میزان دوری و نزدیکی این تصویرها با واقعیت ابراز کند، بررسی‌های ناقصی است که براساس طرحی که قبلاً آمد، برای یافتن مشترکات چهره سادات اصیل با یکدیگر، چهره یهودیان اصیل با یکدیگر، و شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو گروه با یکدیگر، انجام داده است.

افتاده‌اند یا نه؟

۱۴. توضیحات ابتدایی

پیش از این، در بند ۴ (مخاطب‌شناسی و یکنواختی)، از این سخن گفتیم که برخی مدخل‌ها اطلاعاتی بسیار کم و برخی دیگر اطلاعاتی کامل دارند. در این جا می‌خواهیم از این سخن بگوییم که در برخی مدخل‌ها، به توضیح ابتدایی و سپس ارجاع نیاز است.

برای نمونه، در مدخل «ابق»، معنی لغوی این واژه (برده فراری، بنده

گریزان)، و صورت جمع آن و برخی اطلاعات نحوی آمده و سپس این توضیح آورده شده که در قرآن کریم، از این واژه یک بار استفاده شده است: إِذَا أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (آن گاه که به سوی کشتی پر، بگریخت). نشانی آیه نیز آمده است.

در این جا بهتر بود که اشاره‌ای به این می‌شد که این آیه درباره گریختن حضرت یونس (ع) از دست مردمش و رفتن او به سوی یک کشتی است و بعد ماجرای بلعیده شدن او به وسیله نهنگ. سپس به ماده یا مدخل یونس ارجاع داده می‌شد. آن گاه نشانی همه آیات مرتبط با این موضوع می‌آمد.

سیاست توضیح کوتاه و سپس ارجاع به مدخل‌های اصلی، یکی از مواردی است که می‌تواند بر کاربردهای بسیار این فرهنگنامه، به ویژه برای مخاطب نوجوان و جوان بیفزاید.

۱۵. ارجاع آیات

در ذکر نشانی آیات قرآن در این فرهنگنامه، به نام سوره و شماره آیه اکتفا شده است. این درحالی است که می‌دانیم اگر شماره سوره را داشته باشیم تا چه حد بر سرعت یافتن آیه خواهد افزود. بهتر است سیاست ارجاع به آیات و ذکر نشانی آیات و سوره‌ها در این فرهنگنامه، بر این اساس باشد که نخست نام سوره، سپس شماره سوره و آن گاه شماره آیه درج شود.

۱۶. پژوهش‌های نو

امروز مجلات قرآنی بسیاری در کشور ما به چاپ می‌رسد. یادداشت‌ها و مقالات قرآنی بسیاری نیز در نشریات دیگر می‌بینیم. کتاب‌ها و پژوهش‌های قرآنی و پایان‌نامه‌های دانشجویان ایرانی و خارجی نیز منابعی در دسترس‌اند. امکان بهره‌گیری از شبکه جهانی اینترنت نیز فراهم است. همه این‌ها ایجاد می‌کند که فرهنگنامه قرآنی امروز، حاوی آخرین اطلاعات و پژوهش‌های نو در موضوع خود تا تاریخ تدوین فرهنگنامه باشد و حتی پژوهش‌های پس از تدوین، در مجلدات بعدی یا در چاپ‌های بعدی، به صورت مستدرک بیاید. در واقع، منابع و مأخذ فرهنگنامه قرآنی امروزین، باید از حد کتاب‌های چاپ شده سال‌ها پیش فراتر رود و به سطح تازه‌های نشر کتاب، نشریات و مقالات، یادداشت‌ها، سخنرانی‌ها، همایش‌ها و اطلاعات روز مرتبط با قرآن، علوم قرآن و دانش‌های روشن‌کننده مسائل علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی و غیره قرآن بگسترند.



یکی از دشواری‌های خوانش آثار تاریخی و رجالی،

تلفظ اسامی خاص است. این اسامی نیز اکثراً قیاسی و قاعده‌پذیر نیستند و جز با آگاهی از تلفظ واقعی آن‌ها، نمی‌توان آن‌ها را درست خواند.

یکی از کاستی‌های بزرگ تصحیح متون نیز همین فقدان

یا کمبود اعرابگذاری لازم بر اعلام است

۱۳. کمبود مدخل

نگارنده در پی آن نبوده است که بررسی کند آیا همه مدخل‌های مرتبط با حرف الف در این مجلد از فرهنگنامه قرآن کریم آمده است یا نه، اما در نگاه اولیه‌ای که در تورق این اثر داشت، متوجه شد که واژه «ارم»، در این فرهنگنامه نیامده است.

جا دارد با توجه به معجم‌ها و فرهنگنامه‌های دقیق قرآنی که همه واژه‌های قرآن را در خود دارند، بررسی شود که آیا واژه‌هایی دیگر نیز جا

برای نمونه، چندی پیش در یکی از ماهنامه‌های قرآنی خواندم که یکی از دانشجویان مصری، در رساله فوق لیسانس یا دکترای خود، به این تحقیق پرداخته و مدعی شده است که «ارم»، همان «هرم» است و برای این تحقیق خود از مستندات قرآنی، روایات مرتبط با آیه، کاوش‌های باستان‌شناسی درباره اندازه قد و هیكل مردم و نژادی بلند قامت در نواحی اطراف اهرام مصر و دیگر موضوع‌های اثبات‌کننده نظریه‌اش کمک گرفته و افسانه‌های

باغ ارم و بهشت شداد را هم با استنادهایی رد کرده است.

استناد به آخرین بررسی‌ها، اطلاعات و پژوهش‌ها، مایه آن خواهد شد که این فرهنگنامه، در محتوای خود نیز بوی تازگی دهد و قرآن پژوهان را به سوی خود جذب کند. ضمن آن که جوان را با مفاهیم و آگاهی‌های امروزی درباره قرآن آشنا سازد و او را با بال قرآن، به دنیای تازگی‌ها، روزآمدی‌ها و دانش‌های نوین ببرد. این احساس طراوت، در کنار قرآن، یکی از عوامل جذب نوجوان و جوان به قرآن خواهد بود. و مگر نه این که همین تازگی‌ها و طراوت‌ها بوده است که در سال‌های نخستین ظهور اسلام، جوانان و روشنفکران و حقجویان و دانشوران را به سوی قرآن و تکرار و تبلیغ مفاهیم آن می‌کشاند است؟

۱۷. کتابنامه

کتابنامه فرهنگنامه قرآن کریم، حاوی اطلاعاتی درباره ۷۶ کتاب است. ترتیب ارائه اطلاعات، براساس عنوان کتاب است که البته، به دلایلی که خواهد آمد، کار مناسبی نیست و بهتر است همان ترتیب رسمی، بر اساس نام بزرگ مؤلف و سپس نام کوچک او و آن گاه نام کتاب و مشخصات دیگر باشد و سرانجام، به نام ناشر و سال انتشار ختم شود.

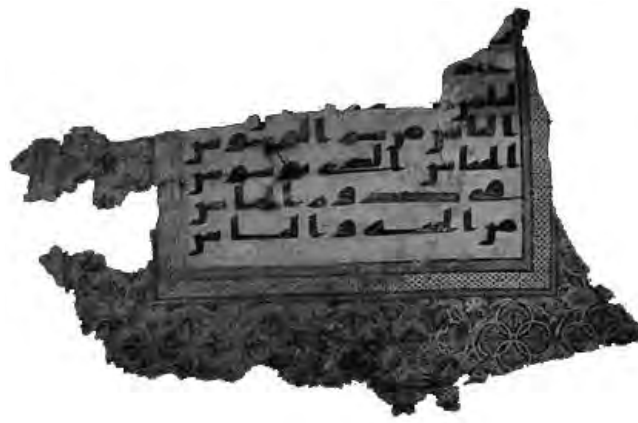
اطلاعات این کتابنامه، گاه تا اکتفا به نام ناقص یا مشهور کتاب، با یا بدون نام مؤلف تنزل می‌کند. مثلاً: «معالم التنزیل» یا «المعجم الوسیط» یا «نثر طوبی، علامه شعرانی» یا «خصال، محمدبن بابویه» یا...

حداکثر اطلاعات این کتابنامه، شامل نام کتاب، نام مؤلف، نام مترجم، شماره جلد و شماره صفحه است ضمن آن که براساس آن چه در بند ۱۶ (پژوهش‌های نو) آمد، جای نشریات، پایان‌نامه‌ها، اطلاعات اینترنتی و دیگر منابع و آگاهی‌های روز در آن خالی است.

این نقص‌ها و ناهماهنگی‌ها، کتابنامه فرهنگنامه قرآن کریم را تا حد کاری سطحی و غیرکارشناسانه تنزل داده است.

اما یکی از فواید نگارش کتابنامه و فهرست مآخذ براساس نام بزرگ مؤلف، آن است که اولاً کلیه آثار مورد استفاده از یک مؤلف، به ترتیب در این فهرست

می‌آید و گونه‌ای دسته بندی نیز در فهرست صورت می‌پذیرد. دوم آن که برخی کتاب‌ها، نام مشهوری دارند یا نام ناقصی که غیر از عنوان درست یا کامل اصلی است و این تغییر یا تکمیل نام‌ها، ترتیب فهرست براساس نام مؤلف را تقریباً بر هم نمی‌زند. در حالی که در فهرست به ترتیب کتاب، مایه جابه‌جایی‌ها و



تغییرهای گاه بسیار و گاه سردرگم‌کننده است. مثلاً در کتابنامه فرهنگنامه قرآن کریم، کتاب «وسایل الشیعه»، در حرف و او و آخرین مورد در این فهرست است. درحالی که نام اصلی و کامل این کتاب، چنین است: «تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه». ملاحظه می‌شود که در این حالت، این کتاب باید در حرف «ت» قرار گیرد، نه «و او». در صورتی که اگر ترتیب نام بزرگ و نام کوچک مؤلف را اتخاذ کنیم، ضمن عدم

تغییر، می‌توانیم نام کامل کتاب را نیز به خواننده یاد بدهیم و نام مشهورش را هم ذکر کنیم و فواید دیگری که بر این کار مترتب است.

۱۸. نمایه‌ها

بخش نمایه‌های فرهنگنامه قرآن کریم، شامل نمایه‌های مداخل (به ترتیب عنوان و سپس عنوان فرعی)، نمایه آیات (به ترتیب سوره و سپس شماره آیه)، نمایه روایات (به ترتیب گوینده و سپس بدون ترتیب) و در انتها نمایه اعلام (شامل اشخاص و مکان‌ها) می‌شود.

باتوجه به این که فرهنگنامه قرآن کریم، بر اساس حروف الفباست و فهرست مداخل‌ها نیز به ترتیب الفبا در آغاز کتاب آمده است، نمایه مداخل‌ها، تنها عنوان‌های فرعی را بیش از فهرست ابتدای کتاب، در خود جای داده است. با توجه به این که تنها چند مداخل دارای عنوان فرعی‌اند، یک پیشنهاد می‌تواند این باشد که همین نمایه، به صورت فهرست، در آغاز کتاب کار شود تا هم فهرست آغاز کتاب، فهرستی تفصیلی شود و هم شباهت بسیار فهرست و نمایه، نقشی از تکرار و ضعف کاربرد نداشته باشد.

نمایه آیات نیز اولاً همان مشکل عدم درج شماره سوره‌ها را دارد. نمایه روایات پس از دسته‌بندی آن‌ها به ترتیب معصومان، دارای مشکل نداشتن ترتیبی در درون آن تقسیم بندی است. در نمایه اعلام، سیاست مشخصی نیست که اسامی، اعراب داشته باشند یا نه. برخی دارای اعراب و برخی بدون اعراب‌اند.

۱۹. نکته پایانی

آن چه آمد، نگاهی گذرا و کلی به جلد نخست فرهنگنامه قرآن کریم بود که شامل حرف الف می‌شد. بررسی یکایک مداخل‌ها و ملاحظات مربوط به هر کدام از آن‌ها، مجال وسیع‌تر می‌خواهد و پدیدآورندگان این فرهنگنامه، از خوانندگان درخواست کرده‌اند که نظرهای سازنده خود را درباره آن، به صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱ ارسال کنند.

به هرحال، فرهنگنامه قرآن کریم، از نظر شکل ظاهری و کیفیت کاغذ و

چاپ و رنگ، اثری زیبا و نفیس است و بازنگری در سیاست‌های تدوین و اتخاذ روش‌های روزآمد، نگاه‌های نوگرایانه و پرکاربرد و بهره‌گیری از تازه‌ترین پژوهش‌ها و نگرش‌ها و مفیدترین دستاوردهای قرآن‌پژوهی در پدیدآوردن آن، می‌تواند نفاست بیشتری در محتوا به آن ببخشد.

